



الهی نامه جلد ۲۷

نویسنده : میرزا علی کارگر ساروی

الهی نامه جلد ۲۷

نویسنده : میرزا علی کارگر ساروی

فهرست

ادامه مطالعه

درباره کتاب

خروج

۲۲:۳۰



65%



0Kb/s

0Kb/s

فهرست مطالب

الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۲



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۳



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۴



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۵



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۶



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۷



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۸



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۹



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۰



۲۲:۳۰



65%



0Kb/s

0Kb/s

فهرست مطالب

الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۱



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۲



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۳



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۴



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۵



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۶



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۷



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۸



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۱۹



الهی نامه جلد ۲۷ ص ۲۰



۱- الهی آنکه به توحید احدی صمدی نرسیده هنوز تو را درک نکرده است.

۲- الهی در روزگاری که مردم در بدن دلخوش اند شکرت که به توحید احدی رسیدم و جان تو را در همه عالم دیدم.

۳- گروهی دنیا خواهند و غافل از آخرت و تو و گروهی بهشت خواهند و غافل از تو و دنیا و گروهی تو را خواهند و فارغ از دنیا و آخرت که همه عبادات و بندگی شان برای تو و جنت ذات و عندیت هست نه برای بهشتی که به غفلت از تو سر کنند بارالها ما را جز گروهی که خواهان تواند قرار ده.

۴- الهی در دنیا ما را رسوا نکردی در قیامت هم ما را رسوا نفرما.

۵- الهی خودت ما را به خودت خواندی پس خودت دست ما را بگیر و برسان به عندیت و در جنت ذات خاتم الانبیا ما را سکونت ده که جز تو کسی نتواند و جز تو به کسی اعتماد ندارم تویی معتمدم و تویی همه دارایی ام.

۶- الہی ہر چقدر نقایص داشتہ باشم بہ کمالات و خیر محض تو نمی رسد و در ازای ہر نقصم یک کمالات را بہ رخت می کشم تا مرا بواسطہ آن کمالت ببخشی و راہ حقیقت را بر من بگشایی و مرا اہل حقیقت و عبادت قرار دہی.

۷- الہی تو از خطاہایم باخبری و من از محسنات باخبرم اگر در قیامت خطاہایم را بہ رویم بیاوری منم محسنات بی حد و حصرت را بہ رویت می آورم یقین دارم بخشیدہ میشوم زیرا ہر چقدر خطاہایم زیاد باشد در مقابل محسنات چیزی نیست ولی خواہان جنت ذات اہل بیت ہستم کہ غیر این شود انگارہمان جہنم رفتہ ام .

۸- الہی تو رحمت محضی و ہمہ موجودات را مرحوم خود کردی این رحمت یا تطہیر کنندہ است مانند جہنم یا نعمت دہندہ است مانند بہشت یا لذت بخش است مانند لقا اللہ و جنت ذات خلاصہ دایم الرحمتی و ما دایم المرحومی.

۹- الهی نشانی از بیچارگی در من هست
آن فقر دایمی به توست یعنی ذاتا به تو
نیازمندیم و نشانی از سروری و خدایی در تو
به ما هست که دایما با ما هستی که خودت
فرمودی ((هو معکم اینما کتتم)) شکرست که
همیشه با ما هستی چونکه بی تو معدومیم و
نابودیم.

۱۰- الهی چه خواهی یا نخواهی که یقینا می
خواهی تنها تو هستی بر آورده کننده تمام
حاجات ما و تنها تو هستی تکیه گاه هنگام
مشکلات ما و تنها تو هستی معبود بی شریک
ما پس بپذیر را ای تمام حقیقت و شاکله ما.
۱۱- الهی نه بنده بازرگانم و نه تو بازرگانی
پس ببخش مرا به آسانی و هر زمان که هیچ
وقت غفاریتت و کرم ات نمی شود تمام.

۱۲- الهی چه ببخشی یا نبخشی از تو چیزی
کم نشود ولی بخششت از ما بار گناه کم می
کند و قوت قلبی عظیم به ما می دهی.

۱۳- الهی در آخر الزمان که مردم سرگرم عشقهای همه پوشالی و هوسرانی می شوند شکر ت که مرا عاشق حضرتعالی کرده ای.

۱۴- الهی امام را برای رسیدن به تو خودت دادی دوامم را در طی راه تو بده و ختم کلام جوابم را تو بده که مرا تا هر جایی که تو خواهی می رسانی؟

۱۵- الهی تو بی نیاز مطلق و ما نیازمند مطلق به تو هستیم که جان ما هستی و ما آینه ظهورات تو!!

۱۶- الهی غفلت از این بالاتر نعماتت را که بر ما نازل می کنی را می بینیم ولی تو را که نازل کننده نعماتی و خدای ما هستی نمی بینیم که همه خیرات و نعمات از جانب توست.

۱۷- الهی چیزی نخواهم از تو جز اینکه آینه تمام نمای تو باشم و تو را همانند خاتم الانبیا بنمایانم.

۱۸- آنکه به توحید نرسد رسوا شود شکر ت که بنده را رسوا نکردی و به توحید رساندی.

۱۹- الهی مرا از کل مخلوقات تماما وکاملا قطع و در ذات پاک ات فانی فرما تا جز تو چیزی نبینم.

۲۰- الهی چگونه با تو نباشم و تو را نپرستم و از تو کمک نخواهم که غیر تو الهی نمی شناسم جز الله مطلوب و معبودی نمی شناسم.

۲۱- جرم ما زیاد، و سنگین است ولی در مقابل کرم ات ناچیز و کم است پس کرم ات بر خطاها و جرم ما غلبه و شرخافت دارد پس ببخش و پیامرز با کرم ات و دوباره ما را بپذیر مولایمان.

۲۲- الهی در خودم جز تابیدن وجود تو چیزی نمی دانم و نمی یابم و نمی خواهم بتاب بر من مرده تا با نور وجودت بنده موحد محض تو شوم و مرا از هر خودپرستی بدر آور و به خداپرستی زنده ام کن.

۲۳- الهی ببخش آن گناهانی را که خلقت به وسیله دانستنش مرا سرزنش می کنند و از یاد تو و درگه تو دور می کنند و مرا شایسته راز و نیاز و رسیدن به مراتب عالی بندگی ندانند.

۲۴- الہی ببخش گناہانی را کہ با یادآوریش
شرم حضور دوبارہ بہ درگہ ات سلب می
شود.

۲۵- الہی کسی را شایستہ تر از تو برای
بخشش گناہانم نمی بینم و کسی را بخشندہ
تر از تو نیاقتم پس ببخش از آنچه کہ بین
من و تو باعث دوری و فراغ شدہ است .

۲۶- الہی گناہانم را تو ببخش و عیوبم تو
بپوشان و عشق ات را تو در دلم بکار و جانم
را آینہ تمام نمای خودت گردان.

۲۷- الہی سر بہ بالا کنم آیات توست ہر کجا
روم آیات توست ہمہ آیات سوی تو اشارہ
کنند و جز تو چیزی ندارند بندہ را بہ تو
راہنمایی می کنند تا عبد موحد تو شوم ای
رحیم.

۲۸- الہی عزت مال توست ہر کسی گناہ می
کند عزتت را پایمال می کند چون بہ فرمانت
گوش نمی دہد.

۲۹- الہی شکرت کہ تو را خواہم و جز تو
نمی بینم و ہمہ را نمودی از بود تو می بینم.

۳۰- الهی آنکه با توحید خالص شود مخلص شود و جز خواص شود.

۳۱- الهی در شگفتی که مردم از تو روزی دهند غافلند و به زور و بازوی خویش تکیه بستند و از تو روزی نخواهند و خویش را در کسب روزی مستقل بینند.

۳۲- الهی شکرت در مسیر قدم نهادم که همه از من فرار شدند و بنده به سویت جاری شدم.

۳۳- الهی از داده هات شاکرم و از آنچه نداده هات شاکرتر.

۳۴- الهی نور تویی ما همه ناریم تا زمانی که این نار را خاموش نکنیم از نور تو بی نصیب می مانیم.

۳۵- الهی ناری داریم که آتش افروز و ویران کننده و آن نار و آتش خود خواهی هست با آب توحید نارمان را خاموش و با نور الهی ات جانمان را از نور حقیقت پر نور فرما.

۳۶- الهی هیچ چیزی ندارم تا معامله کنم فقط آمده ام تا بندگی مخلصانه کنم.

۳۷- الہی سلطان تویی ما همه بنده توایم
رحمان تویی ما همه مرحوم توایم جان تویی و
ما همه جسم جان توایم.

۳۸- الہی تا عشق و شور و مستی به تو در
بنده پیدا شده هو گو شده ام و دلدادگی
پیدا شده است.

۳۹- الہی هیچ نیستم تو خود دانی ولی
شکرت با تو همه چیز همه کس به مناجات
می پردازم.

۴۰- الہی در روزگاری بسر می بریم
مردمانشان ظاہرا دوست دار چہارده
معصومین ولی خودشون از عصمت و طہارت
دورند و بہ غفلت مشغولند فقط عصمت را
در انحصار چہارده معصوم می دانند ولی
خودشون دنبال بدست آوردن عصمت و
طہارت نیستند وای بہ این افراد کہ ادعای
شیعہ و پیروی از چہارده معصوم دارند ولی
خودشون را از صفات نیکو چہارده معصوم
دور می کنند.

۱-۴ الهی روزگاری جز با تو بودن و از تو گفتن و بسویت آمدن نخواهم پس این بنده کمترینت را چنین روزگاری و قراری نصیبش کن.

۲-۴ الهی الهی نامه ام بهانه ای است تا بندگی ام را به رخت بکشم و تو خدایی و مولایی را به رخم بکشی چه رخ کشی میشود اینگونه.

۳-۴ الهی تو خود دانی که من نادانم و جز تو نخواهم و جز تو ندارم و جز تو نبینم پس به نادان علمی عطا کن تا علیم ات را بنمایاند.

۴-۴ الهی مرا از زندان تن آزادم کن و با جان خودت آشنایم کن .

۵-۴ الهی خلق پی داد و ستد روند عاشق پی عشق و طرب که عاشق جز معشوق نبیند و معشوق بالاتر از تو نداند ای معشوق عاشقان واقعی بر دل عاشقان بتاب واز عشق مجنونشان فرما.

۶-۴ الهی آه من برای سودا نیست بلکه برای شیدایی و عاشقی به محضرت عرضه می شود.

۴۷- الھی جز تو کسی هوسم نیست جز هو
ذکر لبم نیست.

۴۸- الھی هو گویم و های و هوی عالم را
دور کردم پس بنده توام از قید بند هوی و
هوس بریدم.

۴۹- الھی تا هوای هو بسر دارم از هر
هوسرانی گذر کردم.

۵۰- الھی در این های و هوی زمانه تورا
میخوانمت ومی شوم دیوانه.

۵۱- الھی مست توام اگر مرا می دهی ودر
میخانه و میکده ایی مرا راه دهی تا هو هو
گویان سوی تو آیم یک هو بگویم و عشق
ابدی جویم.

۵۲- الھی مخلص تو شدن شیرین است
ومخلص از تو شدن شیرین تر است.

۵۳- الھی اگر نمیخواستی بنده را در عندیتت
روزی کنی هیچ وقت طلبش را به بنده القا
نمی فرمودی.

۵۴- الھی مردمان با روابط اجتماعی با یکدیگر
خوش اند و بنده با روابط الھی با کردگار
خوشم روابطم را با خودت مستحکمتر فرما.

۵۵- الهی تنها تو اله منی و نور و جان منی من بنده تو هستم از هر چه غیر تو بریده ام.

۵۶- الهی در ظهوراتت پخش شده ام و هب لی کمال الیک گویم تا سویت تو آیم کاملاً.

۵۷- الهی کمال انقطاع را خواستارم تا بسوی تو آیم و از هر چه مخلوقینت درگذرم و به سویت رسم.

۵۸- الهی هوسی جز تو بسر ندارم و کسی غیر تو ندارم و ذکری غیر هو نگویم .

۵۹- الهی از قیل و قال گذشتم و به تو ذوالجمال رسیدم مجذوبت شده ام ای معشوق محبوبم.

۶۰- الهی جز هو هوسی نیست و جز هو کسی نیست.

۶۱- الهی توفیق معصیت نخواهم ولی توفیق بندگی و محبتت خواهانم ببخش مرا از معصیتی که موجب سلب توفیق از عبادتت شود تا از درگه ات دور شوم.

۶۲- الهی ببخش گناہانی را کہ موجب شدہ
موجب عدم توفیق عبادات خالصانہ
وعارفانہ و عاشقانہ شدہ است.

۶۳- الهی خداوند قادر تویی من بندہ ضعیف
تو ام کہ هیچ ارادہ ایی ندارم فقط استدعایی
کہ دارم مرا یاری کن تا آینہ تمام نمای تو
شوم و در بندگی کردن جز مخلصین باشم.

۶۴- الهی من خدایی غیر تو ندارم ولی تو
بندہ ایی غیر من داری پس غیر تو کسی
قدرت انجام و استجابت دعاهایم ندارد
و لیاقت عبادت کردن ندارد پس مرا جز
بندگان قرار بده کہ ہر روزشان در بندگی
بہتر و بالاتر و خالص تر ترا عبادت می کنند.

۶۵- الهی بہانہ ایی برای عدم توفیقم داری
منم بہانہ ایی برای آہ و نالہ کردن و ضجہ
زدن بہ محضرت دارم چہ کنم عاشقتم و
دوست دارم آنچه را کہ دوست داری.

۶۶- الهی اگر مرا رهایم سازی من تو را رها نخواهم کرد چون تو غیر من بنده ایی داری که بهترین بندگی کند ولی من غیر تو خدایی ندارم که به حاجت‌هایم گوش فراده و مرا یاری و استجابت کند که الهی و ربی من لی غیرک گویم و تو را به عشق خالص خوانم.

۶۷- الهی مرا از شر آنچه که موجب دوری از درگاهت می‌شود حفظ کن .

۶۸- الهی شکرت توفیق مناجات با تو بهترین و احسن الخالقین و ارحم الراحمین را پیدا کردم.

۶۹- الهی از شر خودم به خودت پناه می‌برم که خیری بالاتر از تو را نمی‌دانم که از وی یاری بجویم.

۷۰- الهی عباداتم را برای فرمان تو بجا می‌آورم نه تجارت من بنده تو هستم نه تاجر و مزدبگیر.

۷۱- الهی اگر مرا به نقایصم بازخواست کنی منم تو را به جبران کننده نقایصم بازخواست می‌کنم من ناقص بودم تو که جباری و جبران کننده نقایصم برطرف می‌کردی نقایصم را .

۷۲- الھی تو را خواهانم همچو رسول اللّٰه و اهل بیتت و از غضب تو به تو پناه برم همچو امیرالمؤمنان و به عشقت بی سروسامانم نمی دانم که هستم ولی می دانم تا ابد بنده تو هستم.

۷۳- الھی حق داری اجابتم نکنی ولی به من حق بده دعا کنم و از تو طلب اجابت کنم و بندگی ات را کنم.

۷۴- الھی اگر مرا رسوای کنی در گناهایی که باعث دریدن محل اعتنای و توجه تو به من شده است بنده تو را رسوا می کنم با خوبیهایی که در اسمایت به ما عرضه داشتی و کمالاتی که مخصوص و ذاتی خودت هست فرض گر ما بد کنیم تو بد جواب دهی پس فرق میان من تو چیست بگو.

۷۵- الھی آنقدری که من تو را دوست دارم به آنقدری که تو دوستم داری نمی رسد پس آنقدری کن که من دوست دارت باشم که تو آنقدر مرا دوستم داری.

۷۶- الهی مخلوق تو هستم پس غیر تو را
 نخوانم و عبادت نکنم چه توفیق عبادتم
 دهی یا ندهی در نیتم عبادتت را می گنجم
 وز عشقت در شبها ناله و شیون و آه و زاری
 خواهم که بدهی یا ندهی عاشقانه دوستت
 دارم ای اله من و معبودم.

۷۷- الهی اسیرت شدم چه شیرین اسارتی
 است و امیرم شدی چه بهترین امیری هستی
 که تو جان بنده هستی و من آینه توام که
 از خود نگویم بلکه از تو گفتن را دوست و
 وظیفه می دانم.

۷۸- الهی حقیقتت را در جانم بتاب تا تو را
 بنمایانم نه خود را بستایم بلکه خدا را
 بستانم و از تمام خودیت بیرون آیم.

۷۹- الهی در روزگاری پر از های و هوی نه
 های خواهم و نه هوی فقط گویم هو .

۸۰- الهی در روزگاری پر از های و هوی نه
 اهل هایم و نه اهل هوی بلکه با توام
 و بسویت آیم و هو هو گویم.

۸۱- الهی مرا از هوی وهوس برهان و بسوی
 خودت بکشان.

۸۲- الهی همه تو را ندا دهند و صدا زنند و حاجتشان را خواهند و تا حاجت روا باشند علی تو را خواند و تو را خواهد حاجتی غیر تو در جان ندارد که به غیر تو طلب کند.

۸۳- الهی خود را رخی نشان دادی در آینه عالم که بنمایی که از گنج مخفی در آبی چه رخ نمایاندی و چه دلبری کردی چیزکی از عشق بی نهایت را تو ظاهر ساختی که زینب ات مارایت الا جمیلا گوید و زیباییت را به رخت کشد.

۸۴- الهی عذابی بالاتر و بدتر از فراغت نمی دانم و عشقی بالاتر از عشق به خودت ندانم پس عاشقانه مرا فانی در خود کن تا همیشه هو هو گویم.

۸۵- الهی ترک تمامی لذات را برای رسیدن به ذات پاکت خواستارم و از هر لذاتی که موجب توجه به غیرتوست توبه می کنم.

۸۶- الهی ما همه بنده ایم تو پرواننده و ما همه محتاج توایم تو حاجت روای ما چه شیرین است فقر ونداری ما و چه خوش است دارایی تو.

۸۷- الهی آنکه عبد تو شده با عشق تو شوریده شده و از خودیت رسته شده است.

۸۸- الهی ناله ام ده جانسوز که از عشقت بسوزم هر شب و روز و آه کشم از عمق وجود در مقام مناجات با تو از سر سوز و گداز .

۸۹- الهی علی را در طلب عالی اش به عالیترین مرتبه توحید احدی صمدی برسان.

۹۰- الهی نه دارایی دارم نه چیزی هستم فقط آمده ام بگویم که بنده گدای درگه تو هستم.

۹۱- الهی شراب مست کننده ایی که از مناجات و عبادات بر ما حاصل میشود را با هیچ شرابی معاوضه نمی کنم چه شیرین است این طعم عشقبازیت.

۹۲- الهی طفل در رحم شکم مادر خوش است از عالم طبیعت غافل و بیخبر است و دوست ندارد به عالم طبیعت بیاید و مردم در عالم ماده و طبیعت خوش است و دوست ندارند تولد قیامتی پیدا کنند و هر دو از دست ماماها فراری اند بار الها همگان را یاری فرما تا در این عالم طبیعت به دست ماماها حقیقی که انبیا و ائمه اند بیفتند تا تولد قیامتی پیدا و به عالم آخرت راه پیدا بکنند.

۹۳- الهی در خواستن دنیا همت نیست چونکه دنیا ارزش طلب ندارد ولی در پس زدن آخرت خیلی هنر است که چیزی ارزشمند را نخواهند و در صدد آبادانی اش نیستند.

۹۴- الهی دنیا دوستی مایه پستی هاست و آخرت خواهی مایه خوشبختی هاست و خدا خواهی کار عارفان بالله است خنک آنکه خدا را بخواهد و از تمام تعلقات رهیده شود.

۹۵- الهی آنکه توحید احدی صمدی را نگرفت و دارا نشد نباید به لفظ آدمی عنوان دار شود.

۹۶- الهی هادی تویی و همه را توخواهی هدایت می کنی و آنچه تو خواهی آینه اسم هادی ات قرار می دهی.

۹۷- الهی دلی که آینه تو نشود و هو هو نگوید گلی بیش نیست و اسفل السافلین بسر می برد.

۹۸- الهی سالکان کویت خودیتشان را کشتند و به حقیقت عبودیت متلبس شده اند خوشا به حالشان.

۹۹- الهی وای بر ما که دعا کنیم تو نشنوی و بدتر آنکه بشنوی و استجابت نکنی یا اجابت دعا یا به عدم اجابت دعا بنابر مصلحت.

۱۰۰- الهی دعا کردن شیرین است و نشانه بندگی کردن است و بالاتر از دعا دادن شیرینتر است نشانه توجه بالای تو به بنده ات است.

۱۰۱- الهی در روزگاری که ریا و خودنمایی شده زینت اکثریت مرا با اخلاص و خدانمایی هستم خرسند.

۱۰۲- الهی گناهکاران با گناهانشان در دنیا شادند و مومنان با ایمان و تقوایشان دلشادند و عارفان با لقاءالله و مناجات با تو دلخوش اندخنک آنکه عارف بالله شد و از هر چه تعلقات آزاد شد.

۱۰۳- الهی در روزگاری همه سوی دنیا دارند شکرت که مرا سوی خودت راه دادی.

۱۰۴- الهی نمازهایمان مایه بندگی و معراج عروجی حقیقی قرار ده.

۱۰۵- الهی در روزگاری که مردمان حرفهایشان فحش و زشت و رکیک و زننده است خنک آنکه حرفهایش الهی و عرشی و توحیدی باشد.

۱۰۶- الهی آنقدر تو رحمتت واسعه است دشمنانت را غرق رحمت رحمانیت می کنی چه برسد به دوستانت.

۱۰۷- الهی شیطان ملکیت که دور می کند
 آدمیان را از درگه ات و انبیا و اولیا مقرب
 و نزدیک کننده آدمیان به درگه ات حالا می
 ماند که آدم چه بخواهد دوری یا نزدیکی
 آنکه دورت شود غرق رحمت رحمانیه اش می
 کنی و آنکه نزدیکت شود غرق رحمت رحیمیه
 ات می کنی علی قصد نزدیکی و نمود بالای
 ترا دارد پس شفیعش باش و استجابش فرما
 یا رحیم.

۱۰۸- الهی آنچنان نور محبتی در دلم بتاب
 که هر آن در تب و تاب باشم و از محبتت
 سیراب نشوم تا همیشه جانم محتاج محبتت
 گردد.

۱۰۹- الهی از هر چه تو خوش نداری توبه
 و از هر چه که اخلاص در وی نبوده توبه می
 کنم.

۱۱۰- الهی امان از ناس پر از وسواس
 خناس که در شرشان قرآنت به آن تاکید
 دارد پس قل اعوذ برب الناس گویم .

به حول و قوه الهی و الطاف بی نهایت ذات
اقدس الهی جلد ۲۷ الهی نامه در روز شب
دوشنبه تاریخ ۹ فروردین ۱۴۰۰ هجری
شمسی مصادف با نیمه شعبان ۱۴۴۲ هجری
قمری ولادت با سعادت حضرت خاتم الاولیا
علی الاطلاق م ح م د ابن العسکری مهدی
هادی فاطمی هاشمی که خداوند متعال
عمر مبارکش را طولانی و سایه الطاف
حضرتش را بر سر ما مستدام بگرداند
ان شالله و ما را از یاران حضرتش در
هنگام ظهور قرار دهد به اتمام رسید
باشد این جلد از کتاب الهی نامه منشا
تحولات روحی و مناجات شهودی مشتاقان
و سالکین کوی یار گردد و این جلد را به
پیشگاه حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا له
الفدا) تقدیم و اهدا می دارم ان شالله.